

# من کابوسی در سر دارم!

تونی آلن

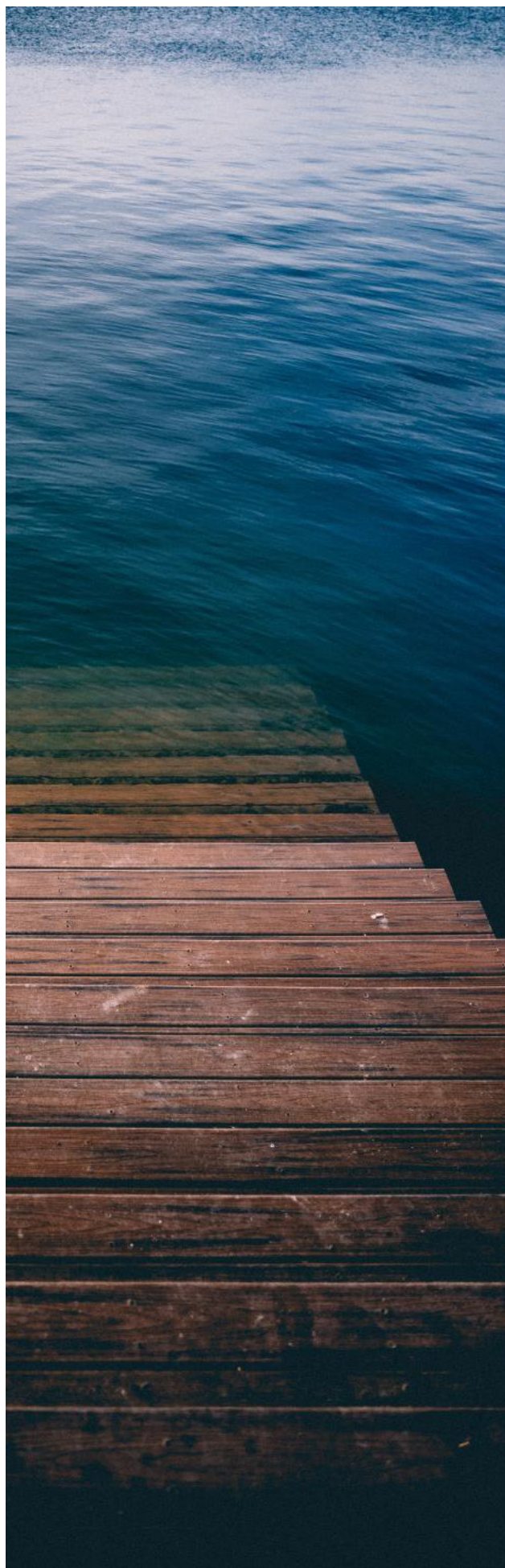
«آدمیزاد تاب تحمل حجم زیادی از واقعیت را ندارد.» تی. اس. الیوت

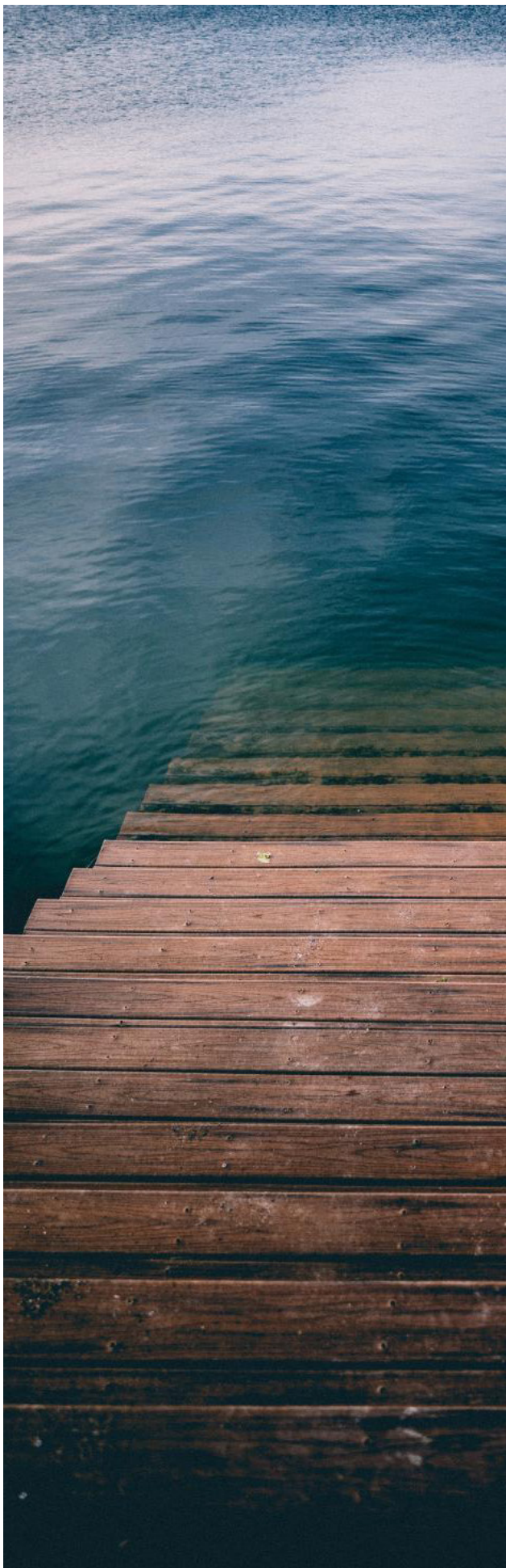
استفاده از جمله مارتین لوتر کینگ - «من رؤیایی در سر دارم» - و تغییر آن اتفاق جدیدی نیست. این کار پیش‌تر نیز توسط عده‌ای صورت گرفته است و من نیز آگاهانه آن را از یک متخصص آمریکایی محیط‌زیست به نام مایکل شِلِن برگرام گرفته‌ام. آنچه در این بین اهمیت دارد درک این نکته مهم است که ترساندن مردم، راهی پایدار و کارا برای جلب حمایت‌شان نیست. اخبار بد چندان تأثیری بر ما ندارد؛ پس از مدتی به آن‌ها عادت می‌کنیم و از یک گوش می‌گیریم و از دیگری بیرون می‌کنیم اما در عوض، آنچه گوش و قلب ۲۰۰ هزار نفر را برای شنیدن سخنان مارتین لوتر کینگ در ساختمان لینکلن مموریال گردهم آورد جملاتی با مضمون «من کابوسی در سر دارم» نبود، بلکه صحبت از امیدها و رؤیایها بود که چنان تأثیری برجای گذاشت.

از این رو من نیز به جای ترساندن، سعی می‌کنم انگیزه ایجاد کنم. سعی در ترغیب خواهم کرد و نه رنجاندن و به دنبال آن هستم که استدلال کنم، نه وعظ و نکوهش. این کار را تنها به این خاطر انجام می‌دهم که باور دارم با این روش، گوش‌های بازتر و دستان بیشتری برای همراهی خواهم یافت.

با وجود این، یک مشکل همچنان باقی است و آن اینکه با این اوصاف من چطور اخبار بدی را که دارم به استحضار شما برسانم. مسئله اینجا است که پدیده «آب پنهان» [آب مجازی] نیز مانند بازارها یا طبیعت، به خودی خود صاحب هیچ قطب‌نمای اخلاقی نیست و هیچ تعهدی به فرد یا کشور خاصی ندارد. مسیر جریان آب پنهان همراه با سرمایه‌گذاری‌ها، بالا و پائین می‌رود و این بی‌تعهدی و غفلت درباره تمامی کالاهایی که به شکلی حامل آب پنهان هستند نیز صادق است. در واقع، پدیده آب پنهان یک جنبه امیدبخش دارد و یک جنبه نگران‌کننده و راهگشا آن است که هر دو جنبه را در ارزیابی‌های خود لحاظ کنیم.

واقعیت آن است که کشورهای صنعتی از وجه امیدبخش آب پنهان بهره‌مند شده‌اند. از این منظر، پدیده آب پنهان توانسته است برای جوامع صنعتی و همین‌طور بسیاری جوامع دیگر، امنیت آبی به همراه آورد؛ فقیر و غنی را سیراب و منابع با ارزش آب جهان را





حفظ کند. این دستاوردها بسیار مثبت هستند و من در اینجا با بررسی وضعیت کشورهای صنعتی نشان خواهم داد که چگونه این موضوع در حال حاضر نیز اتفاق افتاده است.

کشورهای صنعتی از جنبه‌های نگران‌کننده آب پنهان نیز مصون نمانده‌اند. در توضیح این مطلب باید بگویم که جنبه نگران‌کننده آب پنهان به دلیل عملکرد پنهانی و در خفای این پدیده اتفاق می‌افتد. به عبارت دقیق‌تر، غیرقابل مشاهده بودن آب پنهان باعث می‌شود که برخی از معادلات اقتصادی و ابعاد زیست‌محیطی موضوع از دید ما پنهان بماند و این در حالی است که شناخت این بنیان‌ها برای اطمینان از اینکه منابع آب جهان به‌طور پایدار مدیریت می‌شوند حیاتی و ضروری است. درواقع، دادوستد آب پنهان با پنهان کردن این واقعیت، مصرف‌کنندگان آب، سیاست‌گذاران و سیاستمداران را فریب می‌دهد و چون مشکل را نمی‌بینیم گمان می‌کنیم مشکلی وجود ندارد. به این ترتیب می‌توان گفت که دادوستد آب پنهان با وجود جنبه‌های مثبت آن باعث می‌شود که جریان پیشرفت جوامع در آموختن ارزش آب و مدیریت شایسته آن به کندی صورت گیرد.

به‌طور خلاصه:

- وجه روشن آب پنهان عبارت است از توانایی‌اش در تأمین امنیت آبی، یاری‌رسانی به کشورها و حفظ منابع آب.
- و وجه تاریک آن عبارت است از توانایی‌اش در پنهان‌سازی، فریب دادن انسان‌ها و کند ساختن روند مدیریت صحیح آب.

در سال‌های اخیر به شکلی غیررسمی و برنامه‌ریزی نشده، میان دانشمندان و فعالان عرصه آب ائتلافی باارزش در حال شکل‌گیری است. ما فعالان حوزه آب سعی داریم در این مورد اطلاع‌رسانی کنیم، اما متأسفانه جنبه تاریک آب پنهان بسیار فریبنده است. این جنبه تاریک به واسطه ظاهر خوشایند و بی‌دردسرش، بسیاری را به گمراهی می‌کشاند. عده زیادی از جنبه تاریک آب پنهان استقبال می‌کنند و معتقدند که جنبه روشن است. سیاستمداران نیز با چشمانی بسته از این قواعد اقتصادی پیروی می‌کنند و به این قوانین اجازه می‌دهند بدون هیچ دردسری مشکلات کمبود آب را در مناطق مختلف جهان حل و فصل کنند؛ و این همه آن چیزی است که آن‌ها می‌بینند. چشمان آن‌ها به روی رؤیاها و خیال‌بافی‌ها باز است، اما همچنان کابوس‌ها را نادیده می‌گیرند. در حال حاضر جوامع صنعتی به مرور و همراه با نارضایتی، اقداماتی را برای رفع علل اساسی آلودگی محیط‌زیست و کمبود منابع آب آغاز کرده‌اند و سیاستمداران به آرامی شروع به مقابله با غرایزشان کرده‌اند. آن‌ها ناگزیر شده‌اند چشم خود را بر جنبه‌های تاریک پدیده آب پنهان باز کنند؛ جنبه‌ای که بخشی از واقعیت را پنهان می‌کند، ما را فریب می‌دهد و از این طریق روند مدیریت صحیح آب را کند می‌کند.

ما از کوربودن در مقابل خطر لذت می‌بریم، البته تا زمانی که آن خطر خود را به عنوان یک واقعیت به ما تحمیل کند. بحران اقتصادی عظیم سال ۲۰۰۸، زاده ترسی نظام‌مند در بخش مالی از بهای واقعی تن در دادن به خطر بود. این بدهی برای مدتی





می‌توانست به تأخیر بیفتد. می‌توانست جمع شود و پشت گوش انداخته شود؛ اما سرانجام زمانی رسید که این بدهی باید پرداخت می‌شد. جالب است که پس از آنکه حادثه اتفاق می‌افتد و خطر فهمیده می‌شود، همه متخصص و صاحب‌نظر می‌شوند. همه غمگین، آزرده و در حیرتند که چگونه چنین کلاهبرداری عظیمی می‌توانست اتفاق بیفتد؛ اما واقعیت آن است که همه ما ناآگاهانه و ناخواسته در این موضوع سهم داشتیم. دروغ‌ها و سفسطه‌های مالی درباره ایجاد امنیت مالی و اهرم مالی سنگین شرایطی را ایجاد کرده بود که هیچ یک از ما بدمان نمی‌آمد چشم خود را بر پیامدهای آن ببندیم. شرایطی حاکم بود که ما را به عنوان یک فرد در یک جامعه ترغیب می‌کرد عمق خطر و تأثیر تصمیماتمان را در کل ماجرا دست کم بگیریم. قرض‌دهندگان و قرض‌گیرندگان هر دو متقابلاً یکدیگر را یاری کردند. به واقع ما به دنبال یک وام خیالی و غیرممکن بودیم. این موضوع درباره آب نیز صادق است، اما بدون هیچ واژه‌ای از محیط‌زیست آب قرض می‌گیریم. سیاستمداران که باید مراقب محیط‌زیست و امنیت منابع آب جامعه باشند نیز در این موضوع با ما همدست هستند. دادوستد آب پنهان نیز قطعاً به تداوم این بی‌توجهی و همدستی خطرناک یاری می‌رساند.

دادوستد آب پنهان با ایجاد یک وضعیت ظاهری آرام، منظم و هماهنگ، این توهم خطرناک را ایجاد می‌کند که گویی همه چیز تحت کنترل و در حال پیشرفت است و اوضاع به همین شکل می‌تواند ادامه پیدا کند. ماجرای قورباغه را به یاد آورید که وقتی در ظرف آبی که به آرامی دمایش بالاتر برده می‌شود قرار داده می‌شود. آنقدر بیرون نمی‌پرد که زنده‌زنده می‌پزد. گویی ما نیز نیازی به بیرون پریدن از ظرف آب احساس نمی‌کنیم، هر چند که بی‌تردید باید بیرون بپریم.

مأخذ: آب پنهان. جلد اول. ترجمه آرش حسینیان. نشر مثلث، ۱۳۹۴.



«منابع آب بی حد و مرز نیستند. ما سخت در اشتباهیم که فکر می‌کنیم هر چقدر بخواهیم می‌توانیم از منابع آب برداشت کنیم یا فکر می‌کنیم هر آنچه بر می‌داریم دوباره به این منابع بازمی‌گردد.»

سرمایه حقیقی نیست، هر چند که رنج و بدبختی ناشی از یک رکود، بی‌شک حقیقی است اما واقعیت آن است که سرمایه می‌تواند مجدداً احیا شود. هرچه باشد سرمایه نهایتاً با اعداد و ارقام سر و کار دارد و اعداد و ارقام نیز حد و مرزی نمی‌شناسند.

منابع آب بی حد و مرز نیستند. ما سخت در اشتباهیم که فکر می‌کنیم هر چقدر بخواهیم می‌توانیم از منابع آب برداشت کنیم یا فکر می‌کنیم هر آنچه بر می‌داریم دوباره به این منابع بازمی‌گردد. واقعیت آن است که ما در برخی جاها بیش از اندازه آب برداشت می‌کنیم و برخی جاهای دیگر را بیش از اندازه آلوده می‌کنیم؛ اما این روال پایدار نیست.

